

معرفی دو نسخه خطی منظومه فتحنامه حسام‌الملک سروده میرزا احمد الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ه.ق.)

احمد قادری، مه‌ری پاک‌زاد^{*}، شهباز محسنی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

سال هجدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۱، صص ۳۱۲-۲۸۷
<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7877>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: منظومه فتحنامه حسام‌الملک سروده میرزا احمد الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ه.ق.) یکی از موارث خطی فرهنگ و ادب ایران است که تاکنون گمنام مانده و تصحیح شایسته‌ای روی آن صورت نگرفته است. محتوای این منظومه منطبق با دفتر گزارش روزانه حسام‌الملک حاکم کرمانشاه در دوره ناصرالدین شاه قاجار پیش از مشروطه است. فتحنامه بر اساس دو نسخه معتبر محفوظ در آرشیو نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۵۳۵ و کتابخانه مجلس سنا به شماره ۱۷۰ معرفی میگردد تا گوهری از گنجینه‌های خاک‌خورده زبان و ادبیات فارسی، شناسایی و بررسی گردد.

روش مطالعه: در نگارش این مقاله از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نسخه مورد استفاده در این پژوهش به شیوه تصحیح بر مبنای نسخه اساس و التقاطی با استفاده از بینش عالمانه و آراء مستدل اجتهادی با دقت و احتیاط و رعایت شرط امانتداری براساس دو نسخه موجود در مرکز نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی مورد تصحیح قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق: با بررسی منظومه فتحنامه الهامی کرمانشاهی میتوان به در مورد مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شعری سبک او گفت وی از شاعران دوره بازگشت و متمایل به سبک خراسانی و در این منظومه حماسی، پیرو و مقلد سبک فردوسی است. این منظومه ۲۵۰۰ بیتی در قالب مثنوی، در بحر متقارب شرح وقایع سرکوبی «هماوند»ها یا همان «احمدوند چلبی» توسط حسام‌الملک است. در صنایع بدیعی - لفظی و معنوی - معتدل و در سطح فکری حب دینی در مقدمه نسبت به اهل بیت و ائمه و نیز مدح حکام و سلطان وقت و همسویی با اهداف حاکمه محور اساسی است.

نتیجه پژوهش: اهمیت این منظومه جدا از جنبه ادبی و پیروی شاعر از سبک شاهنامه، به عنوان یک منبع تاریخی از دوره قاجار و بازگویی یک رویداد محلی، میتواند مرجع مهمی در تدوین تاریخ محلی یکی از ایلات بزرگ کرمانشاه محسوب شود.

تاریخ دریافت: ۰۴ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۱۰ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۵ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۴ خرداد ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، تصحیح، الهامی، فتحنامه، سبک دوره بازگشت.

* نویسنده مسئول:

pakzad@iau-mahabad.ac.ir

☎ ۴۲۳۳۳۰۰۰ (۹۸ ۴۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Comparative Study of Two Manuscripts of the Epic Poem "Fathnameh-ye Hassam/Al-Mulk" by Mirza Ahmad al-Hami Kermanshahi (1264-1325 AH)

A. Ghaderi, M. Pakzad*, Sh. Mohseni

Department of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 February 2025

Reviewed: 30 March 2025

Revised: 14 April 2025

Accepted: 25 May 2025

KEYWORDS

Manuscript, Ahmad Elhami
Kermanshahi, Fatehnameh, stylistic
analysis, style of the return period.

*Corresponding Author

✉ pakzad@iaui-mahabad.ac.ir

☎ (+98 44) 42333000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The poem Fathnama of Hosam-ul-Mulk written by Mirza Ahmad Elhami of Kermanshahi (1264-1325 AH) is one of the written heritages of Iranian culture and literature, which has remained unknown until now and has not been properly corrected. The content of this poem is consistent with the daily report book of Hossam al-Mulk, the ruler of Kermanshah during the period of Naser al-Din Shah Qajar before the constitution. The Fatehnameh is introduced based on two authentic versions preserved in the manuscript archive of the Islamic Council under the number 2535 and the Senate Library under the number 1170 To identify and investigate a rare treasure from the dusty treasures of Persian language and culture.

METHODOLOGY: Library method and descriptive-analytical method were used in writing this article. The version used in this research has been corrected based on the basic and eclectic version using scholarly insight and reasoned opinions of ijthad with accuracy and caution and respecting the condition of trust based on the two versions available in the Manuscript Center of the Islamic Parliament Library.

FINDINGS: Examining Kermanshahi's poem Fathnameh Ilhami, it can be said that she is one of the poets of the return period and inclined to the Khorasani style, and in this epic poem, she is a follower and imitator of Ferdowsi's style. This 2,500 verse poem in the form of a Masnavi is a description of the events of the suppression of the "Hamavands" or "Ahmadvand Chalabi" by Hossam al-Molk. In creative arts - verbal and spiritual - moderate and at the intellectual level, religious love is the main axis in the beginning towards the Ahl al-Bayt and imams, as well as praising the rulers and the sultan of the time and aligning with the ruling goals.

CONCLUSION: The importance of this poem, apart from the literary aspect and the poet's following of the Shahnameh style, is important as a historical source of the Qajar period. And on the other hand, since it recounts one of the regional and local events, it can be considered an important reference in the compilation of the local history of one of the great provinces of Kermanshah.

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7877>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 0	 0

مقدمه

تصحیح و احیای میراث ارزشمند فرهنگ و ادب فارسی نهضتی در ادبیات محسوب می‌گردد؛ که در نوع خود خدمتی سترگ و گامی بزرگ در جهت حفظ و پویایی این ادبیات از یاد رفته در پستوی حجره‌های کهن علوم دینی و کتابخانه‌ها است و اهمیت بسزایی در گسترش و بروز کردن نوشته‌ها، کتب قدیم و دستنویس دارد. نوشته‌هایی که به دلایلی هنوز کسی به تصحیح، نقد و تعلیقات آن نپرداخته، بخشی از گنجینه گرانبهای فرهنگ و تمدن است. محتوای نسخه خطی منظومه مورد بحث از جهت معرفی و بازتاب وقایع پیش از مشروطه در کرمانشاه، می‌تواند منبع مفیدی برای بازشناسی تاریخ آن دوره — اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار و اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه — در منطقه کرمانشاه و در ارتباط با ایل هم‌وند باشد. فتحنامه شرح وقایع سرکوبی «احمدوند چلبی» یا هماوند (هموندها) از ایلات بزرگ کرد است که بخشی از آنها در ایران در مناطق کرمانشاه، سردهشت و ارومیه و تعدادی دیگر در عراق و لبنان ساکن هستند.

نسخه خطی مانند دیگر عناصر فرهنگی و آثار باستانی، خود سند قطعی هویت فرهنگ و تمدن هر ملتی است؛ آرشیو کردن نسخه‌های خطی کافی نیست بلکه تصحیح، آنالیز، تحلیل، نقد و بررسی سبک‌شناسانه نسخه‌های کهن و ارزشمند ادب ایران‌زمین، راه مطمئنی برای احیای آنها است. دیگر، صنعت استنساخ به سبک قدیم نمی‌تواند پاسخگوی شیوه‌های پیشرفته دسترسی به کتاب باشد؛ یافتن نسخه‌های خطی، معرفی و تصحیح، نقد و بررسی و در نهایت چاپ و نشر آنها همراه با تصاویر اصلی نسخ به شیوه ضمیمه کتاب یا دیجیتالی و... خوانندگان را با مصحح همراه میکند و در واقع یکی از مهمترین کارهایی است که تحریف، تغییر یا هرگونه عدم رعایت امانتداری را به حداقل می‌رساند.

پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش انجام گرفته که منظومه فتحنامه حسام‌الملک اثر کیست و چگونه است؟ مشخصات نسخه‌های خطی این اثر به چه شیوه‌ای است و ویژگیهای رسم‌الخطی و سبک شاعر در سرایش این حماسه مصنوع چگونه است؟

هدف پژوهش

تصحیح و بررسی دقیق نسخ موجود و قبل از آن معرفی دو نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (مجلس سنا) از منظومه فتحنامه حسام‌الملک سروده الهامی به پژوهندگان این امکان را خواهد داد که به دور از هرگونه نگرش محدود قومی، به شناخت عمیق‌تر و ریزبینانه‌تری از نسخه‌ها، محتویات و به تبع آن رویدادهای تاریخی منطقه در دوره شاعر و دیگر جنبه‌های مردم‌شناسی فرهنگی دست یابند، تردیدی نیست برای شناخت بهتر از مناطق مختلف اگر منبع یا منابعی اصیل موجود باشد، بهتر آنست به همان منابع از آن دوره و منطقه رجوع شود چرا که نتایج واقع بینانه‌تری به دست خواهد آمد.

پیشینه پژوهش

تاکنون در ایران هیچگونه تحقیق و تصحیح علمی و آکادمیکی روی نسخه‌های خطی منظومه فتحنامه صورت نگرفته است و الهامی به عنوان یک شاعر دوره قاجار تاکنون گمنام و ناشناخته مانده است. تنها کسی که با بازخوانی و چاپ نسخه خطی منظومه فتحنامه، عین نسخه مجلس را بدون هیچگونه تصحیح و تعلیقی منتشر ساخته است، «محمدعلی سلطانی» است. این منظومه برای نخستین بار به اهتمام ایشان و براساس نسخه مجلس شورای اسلامی،

سال ۱۳۸۴ از سوی نشر سُه‌ها در تهران تهیه و چاپ شده است؛ با وصف اینکه در دو برگ مقدمه‌ای که بر این منظومه نوشته‌اند، به بازخوانی و مقابله اشاره شده است اما روش تصحیح و نسخه‌شناسی و شرح رسم‌الخط نسخه، آورده نشده است. خوشبختانه امروز با وجود دو نسخه خطی، تصحیح چنین اثری بر مبنای نسخه اساس و مقابله با نسخه دیگر می‌تواند تصحیح کاملی را به نتیجه برساند.

شیوه پژوهش

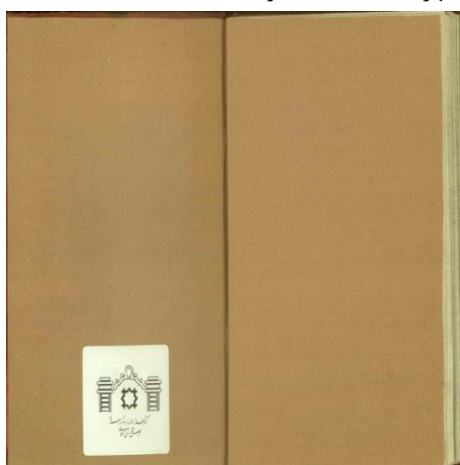
در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای در بخش معرفی صاحب اثر با پژوهش در منابع معتبر و موجود، به تهیه اطلاعات و ترتیب آن پرداخته شده است اما در بخش معرفی نسخه و ویژگیهای نگارشی آن با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه استناد به نسخه‌های خطی موجود و محتوای آن از جنبه سبک‌شناسی ادبی، پژوهش صورت گرفته است.

معرفی نسخه

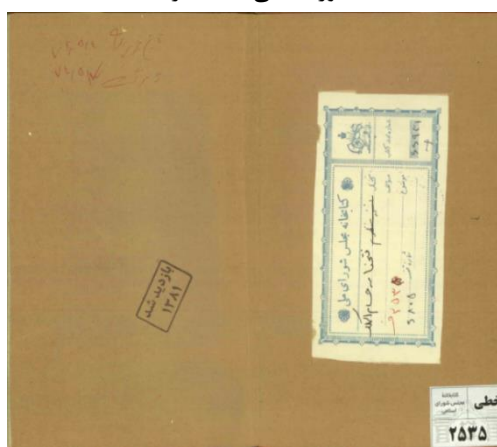
«معرفی نسخه‌های خطی به‌خصوص نسخه‌هایی که در تصحیح متن مورد استفاده بوده‌اند، محتاج به شرح و توضیح کامل و رسا است؛ زیرا اگر درست معرفی نشوند، خوب شناخته نمی‌شوند و در نتیجه ارزش تصحیح آشکار نمی‌شود» (بینش، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴). امروز مسلم شده است که حتی در نسخه خط مؤلف هم احتمال افتادگی و خطا وجود دارد تا چه رسد به کاتبانی که گاه دو سه قرن با او فاصله داشته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۲). در تصحیح انتقادی متون که علمیت‌ترین روش تصحیح متون است، مصحح براساس کهنترین نسخه و با مقابله نسخ دیگر، صحیح‌ترین صورت واژه‌ها را به گونه‌ای که به بیان و گفته مؤلف نزدیک باشد برمیگزیند. این روش وقتی استفاده می‌شود که از یک متن، نسخه‌های خطی قابل اعتمادی در دست باشد.

باتوجه به مطالب فوق دو نسخه خطی «فتحنامه» به شرح زیر معرفی می‌گردد:

۱. نسخه کتابخانه شورای ملی، به شماره ثبت ۶۶۹۳۱؛ شماره فهرست ۲۵۳۵؛ شماره قفسه: ۶۸۰۵.

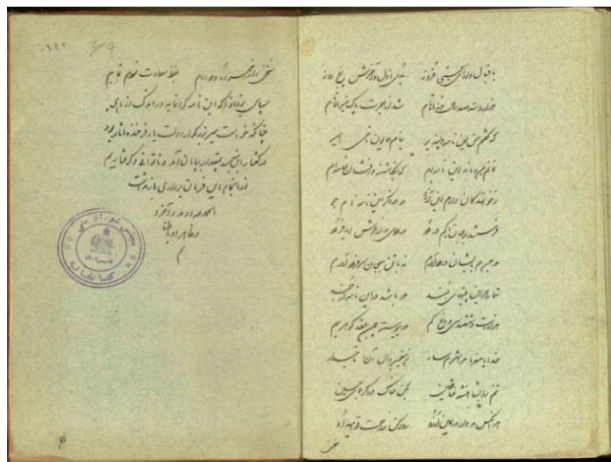


صفحه اول



صفحه آخر

۲. نسخه کتابخانه مجلس سنا به شماره ثبت ۱۷۳۵۱؛ شماره فهرست ۱۱۷۰.



نسخه مجلس سنا به شماره ثبت ۱۷۳۵۱ و قطع ۱۳/۵ × ۲۱ و جنس کاغذ مقوای کاهی آهاردار، نوع خط نستعلیق شکسته؛ شامل ۱۴۱ صفحه و قریب به ۱۴۰۰ بیت است.

شرح نسخه:

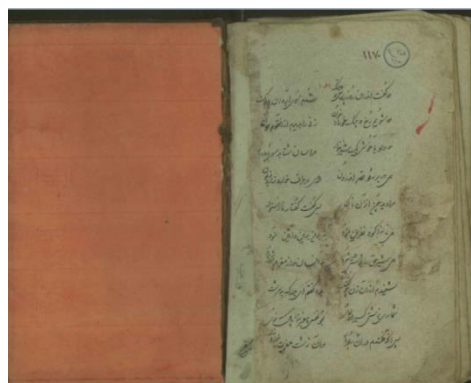
باتوجه به چند برگ ضمیمه شده به اول نسخه که مشخص است از سوی پژوهشگران و کارشناسان نیم سده اول قرن ۱۴ شمسی حاشیه‌نویسی و کارشناسی شده است، میتوان اطلاعات کافی و موثقی دریافت نمود مبنی بر این که محتوای اثر علاوه بر واقعه اغتشاش در غرب کشور و سرکشی ایلات و برخورد قوای دولت با آنها و شکست و سرکوبیشان به طور مشروح به ذکر جزئیات و نحوه قشون‌کشی، نوع ابزارآلات جنگی و چگونگی جنگ‌ها پرداخته است. همانطور که گفته شد وقایع، مربوط به سال‌های ۱۲۹۹ الی ۱۳۰۱ ه. ق در کرمانشاه است آن هنگام که حکومت این شهر تحت اداره ظل‌السلطان بوده است، چه در سال ۱۳۰۵ ه. ق شاهزاده، به جز از اصفهان از بقیه حکومت‌ها خلع الید شد. اما در آن میان جوانمیر از طرف وی به قصر شیرین و نواحی سرحدی که مجاور با عثمانیها بود میرود، چه هنوز عراق امروز جزو مملکت عثمانی بود.

یکی از ضمیمه‌نویسان که نام خود را درج نکرده در چند برگ ضمیمه در خصوص این نسخه خطی چنین مینویسد: «با آنکه به واسطه ناتمام بودن پایان نسخه، نام کاتب، نویسنده و تاریخ تحریر معین نیست ولی نوع کاغذ و شیوه خط دلالت دارد بر اینکه اگر به خط خود مؤلف نباشد در همان آوان نوشته شده و پاره‌ای نکات در آن دیده می‌شود که از دقت و فضل نویسنده که شاید هم مؤلف باشد خبر میدهد که به یکی از آنها اشاره میرود: به این معنی و توضیح که در موارد متعدد نام پلی معروف بین کرمانشاه و قصر شیرین را آورده و همه‌جا به «زاه» و به صورت زهاب نه با «ذال» تازی، زهاب، نام درست و صحیح آن رود که پلی بر روی آن است همین زهاب است که اینگونه رودها که در منبع و سرچشمه کم‌آب و اندک است و بعد در مسیر خود به واسطه آبهای که از اطراف به آن وارد میشود، قوت میگیرد و از زهاب‌ها میبایشد؛ در بیشتر نواحی ایران همانند دارد که به نام نشتارود، زاینده‌رود، فره‌زاد، زاب که همان مخفف زهاب است و به نظر نگارنده در آن ایام که مؤلفین و نویسندگان ما به املائی کلمات توجه بی‌نهایت داشته و پایست بوده از آوردن نام به اینصورت و برخلاف معمول قصد و نیت خاصی بوده که حتی یکبار هم زهاب نیاورده به طوریکه از بعضی منابع برمی‌آید در زمان قاجار وجود چند تن ازین سران ایلیات سرحدی مایه دردسری بوده هم برای باب‌عالی و هم برای دیوان‌اعلی و مرزنشینان هر دو سو از دست اینان در عذاب که

این یکی به همت و تدبیر حسام‌الملک شَرش دفع و ریشه و سرش قطع گردید» (ضمیمه نسخه خطی ۱۷۳۵۱ به شماره فهرست ۱۱۷۰: مقدمه).



صفحه اول



صفحه آخر

شیوه تصحیح نسخه

تصحیح بر مبنای نسخه اساس و التقاطی با استفاده از بینش عالمانه و آراء مستدل اجتهادی با دقت و احتیاط و رعایت شرط امانتداری براساس دو نسخه موجود در مرکز نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی مورد تصحیح قرار گرفته است. نسخه فتح‌نامه حسام‌الملک که مربوط به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است و خود شاعر این نسخه را به حسین‌خان حسام‌الملک اول متخلص به گوهری، حاکم کرمانشاه تقدیم نموده است و منتظر چاپش بوده ولی متأسفانه برآورده نشده است و مقدمه این نسخه از خود شاعر است. برای تصحیح هر متن از نسخ خطی باتوجه به شیوه رسم‌الخط، تذهیب‌کاری، شمسه، هامش، رکاب و سایر علایم مربوط به نسخ خطی مانند اسلیمیها و مهرها، اصطلاحاتی فراخور نسخه مورد استفاده قرار گرفت. مع‌الأسف این اثر تاکنون گمنام مانده؛ از این جهت تصحیح و احیای این اثر کاری بدیع و ارزشمند خواهد بود.

مختصری از شرح حال الهامی

میرزا احمد کرمانشاهانی ملقب به فردوسی حسینی است (آرین‌پور، ۱۳۷۴، ص ۱۳؛ انسانی، ۱۳۹۴، ص ۱). وی قبل از ملاقات با استادش حسین‌قلی‌خان سلطانی کلهر، «ملول» تخلص می‌کرد ولی سلطانی تخلص الهامی را برایش برگزید (لاهوئی، ۱۳۵۸، ص ۹-۶؛ افشار، الهامی و دیگران، ۱۳۷۱، ص ۱۵-۲). «الهامی در سال ۱۲۵۰ ه.ق. در کرمانشاه متولد شد» (دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۰-۱۶۴).

در مقدمه‌ای که سلطانی کلهر استاد الهامی بر نسخه خطی مجلس با شماره ۲۶۹۱ نگاشته آمده است: «پدر الهامی از نویسندگان به کرمانشاهان مهاجرت نموده، سالها در اینجا سکونت داشت ...» (خسروی، ۱۳۰۴: ص ۱). شاعر در قطعه‌ای تولد خود را هزار و دوپست و شصت و چهار دانسته است:

آن زمان کز مام نیکو زاد خویش	من بزادم با نکو فرجامیا
از خرد جستند تاریخم بگفت	«بندۀ شیر خدا الهامیا»

مصرع چهارم به حساب ابجد، ۱۲۶۴ هـ. ق. است.

الهامی... برای کسب معاش و کمک به خانواده به اکتساب حرفه و صنعت روی می‌آورد در بیست سالگی پدر و پس از چندی مادر را از دست می‌دهد و کفالت برادر و خواهر را برعهده می‌گیرد (انسانی، ۱۳۹۴، ص ۳)؛ (شاکری، ۱۳۶۳، ص ۱۲).

«انسانی» در ادامه به خواب نویدبخشی که الهامی با امام حسین (ع) داشته اشاره کرده و تحول زندگی او را مرهون این خواب می‌داند: بالجمله بسی رنج دید تا سنین عمرش به سی رسید و در آن سال از بخت زبون بیماریش سربار آن همه رنج و تیمار گشت و از آن حرفه و پیشه که بودش، دست کوتاه شد.

الهامی، با تضرع به درگاه خدا مینالد و خواب مزبور را در معنی اجابت حق میبیند و مردی را ملاقات میکند و از او لقب «فردوسی حسینی» می‌گیرد و همان مرد هر چند گاه یکبار مبالغی به‌صورت نقد برای ادای وام به شاعر می‌دهد... (الهامی، ۱۳۲۷، ص ۵-۶) فردوسی شاه کربلا (الهامی کرمانشاهی) در سال ۱۳۲۵ ه. ق. از دنیا رفت (انسانی، ۱۳۹۴، ص ۳ و ۴).

– فرزندان شاعر

الهامی دارای سه فرزند بوده است:

ابوالحسن، عبدالحسین، ابوالقاسم لاهوتی (شاعر) (افشار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۹۸۵-۹۸۶؛ لاهوتی، ۱۳۵۸، ص ۱۳؛ یوسفی، ۱۳۶۷، ص ۵۵۴-۵۵۹ و آرین‌پور، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۶۸-۱۷۲).

– استاد شاعر

باتوجه به آنچه که در دیباچه چهار خیابان باغ فردوس آمده «حسین‌قلی‌خان متخلص به سلطانی» از استادان تأثیرگذار است: «... حسین‌قلی‌خان متخلص به سلطانی در مجلس وی را بدید و لختی از اشعارش را بشنید ... و تخلص او را که تا آن زمان «ملول» بود، تغییر داده، «الهامی» قرارداد». (الهامی، ۱۳۲۷، ص ۶-۷)

– وجه تسمیه همه‌وند / احمدوند:

اکثر صاحب‌نظران معتقدند که اسامی ایلات وند نام لبای طایفه را با پسوند (ونه) ترکیب کرده و مشخصه طایفه آنها میشود. اما علاءالدین سجادی با مطلبی که درباره وجه تسمیه احمدوند ابراز میدارد؛ معتقد به این امر نیست. او مینویسد: درباره واژه (همه‌وه‌وند) عده‌ای عقیده دارند که (احمدوند) است و به (همه‌وه‌وند) تبدیل شده است و گویا از فرزندان «احمد» باشند و «وه‌وند» به معنی زاده و فرزند است، اما نظر من {علاءالدین سجادی} بر خلاف این مطلب است و معتقدم که این واژه (همه‌وه‌وند) ارتباطی با کلمه (احمدوند) ندارد و در اصل (هوماوند) است، «هما» پرندۀ خوشبختی و (وه‌وند) در زبان پهلوی کهن به معنی «دارا، صاحب» است و در سیر تطور (هماوند) به (همه‌وه‌وند) تبدیل شده است و یا کلاً (همه‌هون) به همین ظاهر خود (همه) یعنی تمام سراسر و (وه‌ن) هم در پهلوی به معنی (مانند) که در نتیجه یعنی [همه مانند هم هستند] و بدان جهت می‌گوییم که (وند) به معنی (زاده) نیست؛ زیرا نه

در پهلوی کهن و نه در شیوه‌های گردی کهن وتو (وند) به معنی (زاده) نیامده و به کار نرفته است (سجادی، ۱۳۶۱، ص ۵۴۸).

متأسفانه بر روی اسامی ایلات تاکنون تحقیق مستندی که جامع و مانع باشد، صورت نگرفته است و کندوکاو استاد علاءالدین سجادی از این جهت که قدمت ایل مزبور را می‌نمایاند؛ بسیار قابل توجه و جای تأمل است؛ بیان این نکته ضروری است که در گویشهای گردی «محمد» را (هه‌مه) می‌گویند نه (احمد) و اگر جز آنچه که ایشان گفته‌اند؛ می‌بود باید نیای این ایل به فردی محمد نام میرسید نه «احمد»، مطلب دیگر این که طبق شجره موجود نیای این ایل نه احمد است و نه محمد بلکه «محمود» است. اما سیاق نویسان عصر قاجاریه تمامی واژه‌های اصیل را به برداشت خود دگرگون کرده‌اند (همان: ۵۴۹).

آثار الهامی:

آثار الهامی متعدد هستند اما در کل میتوان گفت بالغ بر شصت هزار بیت شعر سروده و از بین آثارش بجز مثنویهای اندرزنامه، باغ ارم و بستان ماتم، حدیث کسا، حسن منظر، دیوان دفتر عشق، حسینی، دیوان قصاید و غزلیات، قصائد الهامیه فی مدائح الحسامیه، و نصایح امیر نظام می‌توان به مهمترین آنها یعنی، مثنوی سی‌هزار بیتی باغ فردوس که بعد آن را به شانزده هزار بیت تقلیل داده و نیز مثنوی فتحنامه اشاره کرد (برای اطلاعات بیشتر رک به: انسانی، ۱۳۹۴، ص ۳).

فتحنامه حسام‌الملک: فتحنامه حسام‌الملک یا مسعودنامه که نسخه‌ای از آن بشماره ۲۵۳۵؛ در کتابخانه مجلس شورا و نسخه‌ای به‌شماره ۹۳۱۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد. این منظومه بازگو کننده واقعه سرکوبی احمدوند چلبی در سال ۱۳۰۴ ه.ق. توسط حاکم کرمانشاهان، حسین خان قراقرلو عاشق‌لو (حسام‌الملک اول)، (۱۳۰۷-۱۳۰۷ ه.ق.) است. این کتاب به اهتمام محمدعلی سلطانی و توسط انتشارات سها در سال ۱۳۸۴ در ۱۳۰ صفحه در تهران به چاپ رسیده است.

در صفحه هفت این نسخه و در آغاز، چنین آمده است:

بنام	برآرنده	آرزو	که خالی نباشد	ازو هیچ سو
بهر سو	که بینی همه	اوستی	خداوند هر سوی	و بی‌سوستی

(الهامی، ۶۶۹۳۱: ص ۷ / بیت ۱ و ۲)

سپس در پایان کتاب در صفحه ۱۴۲ آمده است:

سخن را ز	چهر ده	و دو امام	به لفظ	سعادت نمودم	تمام
----------	--------	-----------	--------	-------------	------

(همان: ۱۴۲ / بیت ۱)

و در آخر می‌نویسد که این نامه گرانمایه در اندک از ماهی به پایان رسانده است.

مضافاً منتخب دیوان الهامی کرمانشاهی که منتخبی از آن به خط شکسته نستعلیق خوش خود شاعر که در سال ۱۳۰۵ ه.ق برای سپهر و جهت درج در تذکره ناصری نوشته است به شماره ۲۶۹۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

بحث و بررسی

همانطور که گفته شد منظومه فتحنامه حدود ۱۵۶۵ بیت است که در آن به غلبه «حسام‌الملک امیرتومان» بر «احمدوند چلبی»، اشاره شده و یکی از منابع تاریخ کرمانشاهان تا پیش از نهضت مشروطیت بشمار می‌آید. به

گفته خود شاعر این منظومه، گزارشی است مستند از سرکوبی یکی از طوایف و ایلات سرکش دوره قاجار در خطه کرمانشاهان. مسعودنامه یا فتحنامه حسام‌الملک به انضمام محاربات ملک نیازخان کردی (۱۳۸۴) با هم‌وندها در واقعه جوانمیر چلبی است.

این کتاب از بخش‌های مختلف تشکیل شده است با تحمیدیه آغاز و با نعت پیامبر و اهل بیت و ائمه تا امام مهدی(عج) ادامه پیدا کرده و سپس به شرح گزارش روزانه حسام‌الملک در حمله به احمدوند چلبی پرداخته و ماجراها را به ترتیب زیر تیتربندی کرده است:

- ستایش خدا

- در نعت حضرت رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

- در منقبت حضرت شاه اولیاء صلوٰه الله و سلامه علیه

- در مدایح صدیقه کبری حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها

- در مدایح ائمه اطهار خصوصاً حضرت قائم عجل‌الله فرجه گوید

- در ستایش اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خلدالله سلطانه

- در ستایش شاهنشاهزاده اعظم افخم یمن‌الدوله و ظل السلطان دام ظلّه

- در مدح جناب امیرالامراء العظام حسام‌الملک حکمران کرمانشاه دام اقباله

- در ساقی‌نامه و آرایش داستان و آغاز نظم کتاب

- در شرح حال احمدوند چلبی و جهت‌رفتن آنها از ایران به خاک دولت عثمانی

- در شرح طغیان طایفه احمدوند و فرار آنها از خاک عثمانی به ایران

- مأمور شدن جناب محمود خان ناصرالملک به دفع فتنه احمدوند و پناه‌دادن او جوانمیر را

- رفتن جوانمیر به اصفهان و امان یافتن از حضرت والا ظل‌السلطان و مراجعت او با منصب و مرسوم

- والی شدن جناب حسام‌الملک در کرمانشاه و آغاز فتنه جوانمیر شریر

- سرکشی احمدوندها با دولت عثمانی و آمدن فقیه قادر و یارانش به خاک مقدسه ایران و همدست شدن با

جوانمیر در فساد و اتفاق دو دولت در رفع آنها

- نامه نوشتن قیصر به شاهنشاه ایران

- مأمور فرمودن حضرت والا ظل‌السلطان جناب حسام‌الملک را به دفع اشرار

- لشکرآرایی جناب حسام‌الملک و فرستادن خانعلی خان یاور فوج ششم را با فوج او به مقدمه سپاه منصور به طرف

سرحد

- حرکت فرمودن جناب حسام‌الملک با اردوی کیوان شکوه از شهر و رفتن به باغ نشاط

- برقرار فرمودن جناب حسام‌الملک میرزا حسن خان مستوفی دیوان اعلی را به نیابت حکومت عظمی و تشریف

بردن به ماهیدشت

- رفتن اردوی کیوان شکوه از ماهیدشت به منزل هارون‌آباد و چگونگی آن احوال

- رفتن سپاه منصور از هارون‌آباد به کردند با مشقت بسیار

- رفتن موکب امیر دلیر از کردند به منزل سرخه دز از راه حریر

- رفتن سپاه ظفرپناه از سرخه دز به منزل پای طاق

- تشریف‌فرمایی جناب حسام‌الملک به منزل سرپل زهاب و استقبال نمودن اردوی متوقف آنجا موکب امیر تومان را
- انجمن کردن جوانمیر و رای زدن او با یاران خود
- پاسخ خلیفه پیشوای جوانمیریان جوانمیر را
- نامه نوشتن جوانمیر به مهر علیخان داماد خود که امان از والی کرمانشاهان از برای او بگیرد و امان خواستن خان لُر از امیر تومان جناب حسام‌الملک و اطمینان دادن امیر او را
- پاسخ نامه مهرعلیخان به جوانمیر و آمدنش به اردوی امیر
- رفتن امیر دلیر از سرپل زهاب به قصر شیرین و پذیره شدن اهل قصر شیرین
- او از خاک پاک ایران به کشور روم و پذیرفتن او
- مأمور کردن امیر جوانمیر را بگرفتن حسن ابن رحیم و رفتن اسماعیل‌خان برادر جوانمیر با عزیزبیگ شرفبیانی به گرفتن حسن
- نامزد شدن شاه‌مراد خان احمدوند به رزم حسن و چگونگی داستان آن
- برگشتن شاه‌مراد خان به اردوی کیوان شکوه و کشتن پلنگ دژم در راه و آمدن به خدمت امیر صفدران حسام‌الملک
- رفتن جوانمیر با برخی از فوج گُوران به طرد کردن سواران احمدوند فقیه قادری
- درخواست کردن محمد پاشای رومی از امیر دلیر که به مهمانی او بیاید و نه پذیرفتن امیر روشن ضمیر و خواستن او را به مهمانی و پذیرفتن او
- بخشش کردن امیر تومان به سپاه رومی و سالار ایشان
- دستوری خواستن محمدپاشا از امیر تومان و بازگشتن او به روم
- رای زدن جوانمیر در چاره کار خویش با یاران
- آگاه کردن مردمی از آن انجمن امیر جوان‌بخت را از کار جوانمیر پلید
- فرمان دادن جناب جلال‌تماب عالی به لشکر در کوفتن جوانمیر و جنگ اردو در گرفتن و یورش لشگر ایران به قلعه جوانمیر
- حمله کردن جناب حسام‌الملک به قلعه جوانمیر و گرفتن آن سنگین حصار را و اسیر کردن زن و مرد و گشودن لشگر دست به تاراج و چگونگی آن
- مناجات کردن امیر قلعه‌گشای به درگاه ایزد رهنمای
- در مدح فرمانفرمای عراقین جناب اجل حسام‌الملک
- فرستادن جناب جلال‌تماب امیر تومان کلبعلی‌خان کشیکچی باشی را بگرفتن جافهای مرادی که خونبهای محمد پاشای جاف بودند و رفتن کشیکچی باشی و گرفتن آنها را آورده بدرگاه امیر دلیر
- فرمان آمدن از شهریار تاج‌بخش با تلگراف به امیر دلیر که جوانمیر و یاران او را بکش و سرهای ایشان را بفرست
- تسلیم کردن امیر شیرگیر برخی از اسیران احمدوند را به رومیها و ورود بعضی از آنها را به کرمانشاهان و بخشیدن زنان اسیران را و سپردن آنها را به کدخدای قصر شیرین که هر کجا که میخواهند بروند و کوچ کردن از قصر شیرین با سرهای مخالفین به کرمانشاهان

- فرمان‌دادن جناب حسام‌الملک به کشتن اسیران احمدوند و فرستادن سرهای آنها را به اصفهان و خاتمه این کتاب مستطاب

و در آخر با این عبارات منظومه را به پایان میبرد:

سپاس یزدان را که این نامه گرانمایه در اندک از ماهی چنان که خواست میر بزرگوار دولت یار فرخنده آثار بود در گفتار این بنده بی‌مقدار به پایان آمد و ناتوانی و گرفتاریم از انجام این فرمانبرداری باز نداشت. الحمدلله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

روش تصحیح:

«معرفی نسخه‌های خطی به خصوص نسخه‌هایی که در تصحیح متن مورد استفاده بوده‌اند، محتاج به شرح و توضیح کامل و رسا است؛ زیرا اگر درست معرفی نشوند، خوب شناخته نمی‌شوند و در نتیجه ارزش تصحیح آشکار نمی‌شود» (بینش، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴).

عبدالحسین زرین‌کوب تصحیح متون را اساس هر نوع دیگر از انواع نقادی همچون تاریخی، ذوقی یا لغوی میداند؛ چراکه بدون آن، هیچ نکته‌ای را نمیتوان به درستی از آثار قدما استنباط کرد. به نظر او نقد متون یعنی اینکه منتقد از طریق علم، تحقیق کند که صورت و شکل اصلی و واقعی هر کلمه و عبارت در کتاب چه بوده است، نه اینکه فقط صورتی مقبول از اثر ارائه دهد. تفاوت در چیست؟! ممکن است نسخه‌نویسان از بی‌دقتی یا فضولی، کلمه‌ای را به مترادف آن تبدیل کرده یا عبارتی را به گمان اینکه حذفش خللی به مطلب وارد نمیکند، حذف کرده باشند (زرین‌کوب، ۱۳۳۶، ص ۳۱۰-۳۱۴).

نسب‌نامه (genealogie) دو نسخه حاضر از فتحنامه حسام‌الملک سروده الهامی بعد از معرفی اثر، تصحیح علمی و پژوهش در متن اثر از جنبه سبک‌شناسی ادبی بهتر به اثبات رسیده و نمایانتر خواهد شد تا جایی که باعث میشود مصحح سربلند از کار تصحیح بیرون بیاید.

برای تصحیح ابتدا نسخه اساس که در واقع قدیمی‌ترین نسخه بود به شماره ۱۱۷۰ مجلس و علامت اختصاری «اس» (مخفف اساس) مشخص گردید و نسخه دوم به عنوان نسخه بدل با توجه به تاریخ آن که متأخر از نسخه اساس است با علامت اختصاری مج (مخفف مجلس) تعیین گردید.

روش تصحیح و ویژگیهای رسم الخطی نسخه‌ها:

برای تصحیح نسخه اساس که در واقع قدیمی‌ترین نسخه بود به شماره ۶۶۹۳۱ مجلس و علامت اختصاری «اس» (مخفف اساس) مشخص گردید و نسخه دوم به عنوان نسخه بدل با توجه به تاریخ آن که متأخر از نسخه اساس است با علامت اختصاری مج (مخفف مجلس) تعیین گردید. روش تصحیح در این کار بر مبنای نسخه اساس و نیز روش التقاطی است به این معنی که بهترگزینی گاهی به ناچار در برخی از متون باید به کار گرفته شود به این شیوه که بر حسب تشخیص مصحح میتوان یک متن را به تناسب امانتداری یا خط خوش یا سواد بیشتر کاتب، اصل قرار داد. که البته در همه موارد در پاورقی باید شرح کافی نوشته شود.

در تصحیح فتحنامه الهامی با توجه به اینکه هر دو نسخه دارای نواقصی هستند و فاقد تاریخ تحریر، روش کار بر مبنای تلفیقی (تصحیح بر مبنای نسخه اساس و تصحیح التقاطی) مناسب است.

الف) تصحیح بر مبنای نسخه اساس

متن بر اساس اصیلترین و صحیح‌ترین نسخه موجود از آن - که نسخه اساس نامیده میشود - مورد تصحیح و تحقیق قرار میگیرد.

در این شیوه مصحح حق ندارد به مجرد این که ضبط نسخه اساس نسبت به ضبط یکی از نسخه‌های فرعی قدری ضعیف به نظر رسید، آن را مردود بشمارد و ضبط نسخه فرعی را جایگزین آن نماید؛ به دیگر سخن، تا نادرستی ضبط نسخه اساس محرز و برای آن دلیلی روشن موجود نباشد، به صرف ضعف یا نامشهور بودن، نمیتوان از ضبط نسخه اساس عدول کرد. این شیوه را بعضی معتبرترین شیوه نقد و تصحیح متون محسوب کرده‌اند.

ب) تصحیح التقاطی

معمولاً وقتی به کار بسته میشود که نسخه‌ای مضبوط و معتبر از اثر مورد نظر به دست نیاید و نسخ موجود هیچیک صحت و اصالت لازم برای مبنای کار قرار گرفتن را نداشته باشند. درین شیوه مصحح، اجتهاد عالمانه خویش - و نه چنان که برخی پنداشته‌اند اهواء و پسندهای شخصی را - مبنای انتخاب ضبطی از میان نسخ مختلف قرار میدهد؛ شناخت موضوع و زبان و دیگر مختصات اثر، همه در این اجتهاد دخیل و کارسازند. از همین حیث، تصحیح التقاطی، در مقایسه با تصحیح بر مبنای نسخه اساس، دانش و دقت و احتیاطی دو چندان طلب می‌کند.

برخی مصححان تصحیح التقاطی را با تصحیح ذوقی اشتباه گرفته‌اند؛ در حالیکه در تصحیح التقاطی، ذوق و دریافتی دخالت میکند که بر اثر ممارست در متن‌پژوهی و آموزش‌های گوناگون تربیت شده است؛ ولی آن ذوق، معیار تصحیح ذوقی است که با موازین علمی نقد و تصحیح متون فرهیخته نشده و بیشتر از اهوا تبعیت میکند تا آرای مستدل اجتهادی؛ از این رو، ارباب نظر به چنین تصحیح ذوقی و غیرعلمی بهایی نمیدهند (جهانبخش، ۱۳۸۴: صص ۲۹-۳۳).

از مواردی که در بردارنده خصائص رسم الخطی قدیم است و در این تصحیح شواهد آن دیده میشود گرچه واژه‌ها ممکن است در املا اختلاف داشته باشند اما به یک معنا هستند و اختلاف در املا جزو اختلافات حاکی از تحول رسم الخط است که در اینجا موارد کاربردی در این تصحیح فهرستوار آورده میشود:

۱- هر جا حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود چسبیده باشد به تبعیت از رسم الخط امروزی، جدا نوشته شده است؛ مانند به نام در معنی (به اسم) صحیح است نه (بنام: به معنای مشهور):

بنام بر آرنده آرزو که خالی نباشد ازو هیچ سو
(الهامی، ۶۶۹۳۱: ۷ / بیت ۱)

هم اوصاف او در نیابد بعد اگر بشمری از ازل تا ابد
(الهامی، ۶۶۹۳۱: ۸ / بیت ۶)

در مورد «به عد» اگر جدانویسی صورت نمیگرفت ممکن بود خواننده عامه یا ناآگاه از وزن، آن را «بعد» بخواند.

۲- در برخی موارد که کاتب برای زیبایی خط به جای یک نقطه، سه نقطه زیر حرف «بی»: «پی» گذاشته است. با ذکر در پاورقی صحیح آن در متن تاییی آورده شده، مانند پینظیر و پیهمال در شواهد زیر:

شگفت آن که اندر صفات کمال بدی مظهر ایزد بیهمال
(همان: ۹ / بیت ۹)

۳- هر جا حرف «آ» در اول کلمات بدون مد آمده باشد ترجیحاً با «آ» نوشته شده است. با ذکر اصل آن «بدون مد» در پاورقی مانند: «زهی پاک پیغمبر تاجدار / فزون ز آفرینش {بدون مد الف} کم از کردگار».

۴- «بجز»: گرچه شیوه رسم الخط امروزی از قانون جدانویسی تبعیت می‌کند اما هنوز هم در نوشتار امروز به صورت چسبیده نوشته می‌شود. بنابراین حساسیت در املای این واژه بی‌مورد است. مانند:

از آن دم که او را خدای آفرید بجز دیده ایزدش کس ندید

(همان: ۱۱ / بیت ۳)

۵- گذاشتن علائم نگارشی در نسخ خطی، به شیوه امروز مرسوم نبوده است. اما در تصحیح هر جا که لازم و ضروری دانسته شده است از علائم مورد نیاز در جای خود استفاده شده است.

۶- «اینجهان»: در همه حالات دستوری جدانویسی شده است «این جهان»:

چو در این جهان کرد شاهش خدای هم او شاه باشد بدیگر سرای

(همان: ۱۶ / بیت ۴)

۷- هر کجا کشیده (سرکج) حرف «گ» حذف شده باشد در تصحیح، «گ» مطابق رسم الخط امروزی آورده شده است تا مانع غلط نگارشی و غلط خوانی شود مانند: «اگر»، «گر»، «گریز»، «مگذر»، «دگر»، «همسایگان»، «گرفتند» و «گروهی» و ...

گروهی ز گردان صحرانشین که بودند از اهل ایران زمین

(همان: ۲۵ / بیت ۱)

بررسی و تحلیل ویژگیهای سبکی

هر چند از دیدگاه تاریخ ادبیات «دوره بین انقراض صفویه تا آغاز سلطنت فتحعلیشاه را دوره فترت می‌نامند» (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۳۰۵) ولی در این میان با بوجود آمدن آگاهانه نهضت بازگشت ادبی بار دیگر ادبیات ایران گامی به سوی بازیافت شکوه و عظمت خود برداشت. هر چند شعر فارسی در ایران در دوره قاجار و زنده چنان است که اگر از تاریخ ادبیات فارسی زدوده میشد، چیزی از دست نرفته بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲، ص ۶۰). در شعر الهامی مشخصه‌های زبانی اوایل سبک خراسانی دیده میشود که البته این تأثیرپذیری بیشتر از شاهنامه فردوسی است. با بررسی کلیت منظومه از جنبه سبک‌شناسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری طبق تقسیم‌بندی سیروس شمیسا میتوان سبک این منظومه را به شیوه زیر مورد بحث و بررسی قرار داد:

نوع ادبی این منظومه چنانکه از مضمون آن پیداست حماسی و به سبک شعرای قرن چهارم و پنجم هجری به تقلید از شاهنامه فردوسی پی‌ریزی شده است حتی در تلمیح به داستانها و شخصیت‌های شاهنامه مکرر جای پای شاهنامه و نقش پررنگ آن دیده میشود. میتوان گفت سبک الهامی از جنبه زبانی میتواند در رده شاعران سبک بازگشت به قرار بگیرد. برای آشنایی بیشتر با سبک و سیاق الهامی، به صورت اجمالی به برخی ویژگیهای سبکی وی در «فتحنامه» می‌پردازیم:

سطح زبانی

در سطح زبانی، زبان الهامی در این منظومه حماسی، ساده، روان و طبیعی است. مانند زبان سبک خراسانی عاری از تعقید و ابهام است. اما شاعر به وفور از سبک و سیاق زبانی حکیم طوس که سبک شخصی خود را داشت تقلید نموده:

بنام بر آرنده آرزو که خالی نباشد ازو هیچ سو

به هر سو که بینی همه اوستی خداوند هر سوی و بی‌سوستی

(الهامی، ۱۳۸۱: ۶۶۹۳۱ / بیت ۷ و ۸)

سطح زبانی که خود در دو مقوله «لغوی» و «آوایی» قابل بررسی است. اگر از بخش لغوی که قسمتی از آن در زیرمجموعه زبان‌شناسی و دستور قرار می‌گیرد بگذریم سطح آوایی که در واقع بخشی از موسیقی کلام شاعر را شامل می‌شود، قابل بررسی است.

در بررسی لغات باید گفت درصد کاربرد فعل، اسم، صفت، حرف و قید، چرایی میزان و نحوه کاربرد و مقایسه آنها با همدیگر شرح و تفصیل و پژوهشی جداگانه می‌طلبد که در این مقاله نمی‌گنجد اما اجمالاً برخی موارد که بازتاب نشانه‌های سبکی شاعر در دوره بازگشت ادبی و تأثیرات شاهنامه است (افشار، حسینی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶-۲۳۱) با استناد به شواهد شعری آورده شده است:

اسم: به غیر از استفاده از اسامی کهن و معمول در شاهنامه و آرکی‌تایپهای پی‌درپی به تقلید و تلمیح از شاهنامه سایر اسمهایی که به کار گرفته شده در عصر شاعر رواج داشته است مانند تأثیر تکنولوژی، سلاحهای جنگی مانند توپ، تفنگ و... که فضای منظومه را تاریک و آلوده به جنگ و خون نموده و همه از واژه‌های منفی هستند چرا که بسامد واژه‌هایی چون قتل، غارت، کشت و کشتار، جنگ، محاصره، بریدن سر، میدان نبرد و... بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

بشوئید ایدون در این دشت کین ز خون خود و یاورانش زمین

(همان: ۹۴/ بیت ۷)

آوردن صفت و موصوف به شیوه سبک شاعران خراسانی یعنی به شکل مقلوب، موصوف و صفت به جای صفت و موصوف:

چنان شد کزین بیشتر سال پنج

(همان: ۲۹/ بیت ۱۱)

موصوف و صفت: سال پنج - صفت و موصوف: پنج سال

- کاربرد «ابا، ایدر، ایدون، کجا» به تقلید از سبک زبانی شاهنامه به جای «با»

در شعر الهامی نشانه‌های کهنگی و مشخصه‌های زبانی اوایل سبک خراسانی به‌ویژه سبک شاهنامه دیده می‌شود که در زیر به برخی از آنها می‌پردازیم:

- استعمال کجا به معنی «که» موصول:

شه شهریاران که جمشید بود چو این شه کجا رشک خورشید بود

(همان: ۱۷/ بیت ۱)

کجا داشت نام امام شهید ولی بدتر از شمر بود و یزید

(همان: ۱۰۱/ بیت ۵)

- آوردن «ایدون و ایدر» به معنی «چنین، اینچنین، اکنون، اینجا و اینک»:

به هر حال ایدون به فرمان شاه روانم بدانسوی من با سپاه

(همان: ۶۱/ بیت ۱)

هم ایدون برآور ز شیپور عو ابا فوج خود شو بما پیش رو

(همان: ۶۳/ بیت ۳)

کز ایدر برو تا بر این سپاه بگو کای دلبران ناورد خواه

(همان: ۳۶/ بیت ۲)

- آوردن حرف عطف در اول بیت یا مصرعه‌ها:

بدو داد تابش به خورشید و ماه و زو گشت پیدا سپید و سیاه
(همان: ۱۰ / بیت ۲)
هم از مال دولت یکی گنج زر به یغما بردند در رهگذر
(همان: ۳۰ / بیت ۲)

– آوردن «ابا و ابر» به معنی «به، با و بر»:

ابا آنچه فرزند و زن داشتند سبک آنچه دیدند برداشتند
(همان: ۳۳ / بیت ۱۰)
هم ایدون برآور ز شیپور غو ابا فوج خود شو بما پیش رو
(همان: ۶۳ / بیت ۳)
که سرتیپ کلهر ابا خیل خویش پذیره شدن را همی راند پیش
(همان: ۷۲ / بیت ۷)

– تخفیف (حذف یک حرف) ستاده = ایستاده / فشانم = افشانم / فتد: افتد:

به یک سوی ره دید فرخ امیر ستاده زنی چند و مردان پیر
(همان: ۶۷ / بیت ۸)
بدین مژده گر جان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست
(همان: ۱۰۷ / بیت ۱۱)

– استعمال «مر» در غیرمفعول صریح؛ به منظور تأکید قبل از مفعول صریح می‌آید:

به پیوندم از نغز گفتار خویش مر این نامه فتح کامد به پیش
(همان: ۲۴ / بیت ۷)
مران لشکر گشن ز اندازه بیش رمیدی از ایشان چو از گرگ؛ میش
(همان: ۲۸ / بیت ۳)

– شروع داستان با قید کنون:

کنون کارمیر معظم شنو دگرها شنیدستی این هم شنو
(همان: ۱۳۷ / بیت ۴)
کنون اوست دارای فرمان روا پس از دادگر بر همه ماسوا
(همان: ۱۴ / بیت ۳)

– کاربرد افعال به تقلید از ساختار شاهنامه و سبک خراسانی: بباخت و بساخت: باخت و ساخت همراه با بای تأکید

چو این رنگ با مرد جادو بباخت به گرمی همی کار رفتن بساخت
(همان: ۶۱ / بیت ۷)

– به کاربردن کلمه‌ها و ترکیبهای تقلیدی از شاهنامه فردوسی: خاوران: مشرق؛ گسترید: پخش کرد / کینه‌سنج: کینه‌جو / گمانم: به گمانم، احتمالاً / دوده: دودمان / مرد جادو: جادوگر / بیستگانی: جیره مواجب (دهخدا، ذیل واژه). آذرگشسب: نام آتشکده، مجازاً آتش

گمانم تو را بسته دست ستیز که بر دوده خود زنی تیغ تیز
(همان: ۶۰ / بیت ۱۱)
در از گنج زرّ و گهر برگشاد سپه را همه بیستگانی بداد
(همان: ۶۲ / بیت ۳)
امیر گزین اندر آمد به اسب چو بر تیغ البرز آذرگشسب
(همان: ۶۴ / بیت ۷)
برآمد چو از خاوران آفتاب امیر هنرگستر کامیاب
(همان: ۶۹ / بیت ۶)
هر آن کس که این کار شایسته دید به میر مهین‌آفرین گسترد
(همان: ۱۳۸ / بیت ۱۲)
چنان شد کزین بیشتر سال پنج

مر این بدگهر مردم کینه‌سج
(همان: ۲۹ / بیت ۱۱)

– فعل: آوردن افعالی مانند «ستوه ماندن»، «مهل»، «هشتن، نهشتند» به معنای رها کردن، «باز جای شدن» به تقلید از شاهنامه:

شدندی پراکنده در دشت و کوه جهان مانده در کار ایشان ستوه
(همان: ۲۷ / بیت ۳)
مهل زنده یک تن ز مردانشان مخواه آن که ماند ز ایشان نشان
(همان: ۳۱ / بیت ۱)
یکی مرز باید بدو باز هشت که یارانش در وی نمایند کشت
(همان: ۴۵ / بیت ۶)

دو حرف اضافه برای یک متمم «به بندگان بر»:

به دشت دلیری شکارش کنند به بند گران بر دُچارش کنند
(همان: ۹۷ / بیت ۳)

ویله: فریاد

ز بانگ دهاده وزان دشت کین پر از ویله شد آسمان و زمین
(همان: ۱۱۶ / بیت ۱۲)

حرف اضافه اندر:

به هر سو که گیریم راه فرار پس پشت ما اندر آید سوار
(همان: ۳۲ / بیت ۶)

سطح ادبی

از جنبه ادبی منظومه فتح‌نامه منظومه‌ایست سلیس و روان، اشعار عروضی بر وزن شاهنامه (بحر متقارب مثنیّه محذوف) هستند، زبان شاعر ساده و روان است. صور خیال در شعر وی متعادل و ساده هست و همین امر باعث

زودفهمی و روانی کلام او شده است. زیرا شاعر از به کار بردن تشبیهات و استعاره‌های مغلق و دور از ذهن خودداری کرده است. در تشبیه می‌توان به اشعار زیر اشاره کرد.
تشبیه مرکب به مفرد و محسوس به محسوس «تشبیه هوا از وجود گرد و غبار سوارکاران به قیر در سیاهی»:

نهادند سر سوی درگاه میر هوا شد ز گرد سواران چو قیر
(همان: ۶۱ / بیت ۱۰)

تشبیه مؤکد: برای زمین که مانند مُرده کوری است یخ برای او مانند کفن است و برف کافور.
تو گفתי زمین مرده کور بود یخ او را کفن برف کافور بود
(همان: ۶۳ / بیت ۱۲)

تشبیه:

در آن تنگه سخت بی‌ترس و باک نهفتند چون مار اندر مفاک
(همان: ۳۴ / بیت ۱)

تشبیه طایفه احمدوند به مار
سواران برین برنشستند زود پیاده ز جای اندر آمد چو دود
(همان: ۳۵ / بیت ۵)

از تشبیهات تکراری به سبک شاهنامه
سخن‌ها در آن بسته چون زر ناب کز آن دوستی را بود رنگ و آب
(همان: ۵۴ / بیت ۱)

مشبه: سخن‌ها / مشبه‌به: زر ناب / ادات تشبیه: چون
دبیری بفرمود؛ تا برنوشت یکی نامه زیبا چو باغ بهشت

(همان: ۵۳ / بیت ۸)

مشبه: نامه / مشبه‌به: باغ بهشت / ادات تشبیه: چو
یکی روز بد تیره و سهمگین ز سرما چو سیماب لرزان زمین
(همان: ۶۴ / بیت ۸)

مشبه: زمین / مشبه‌به: سیماب / وجه شبه: لرزان / ادات تشبیه: چو
به خون بسی زایر بی‌گناه شد از خون او لعل سنگ و گیاه
(همان: ۱۰۱ / بیت ۲)

تشبیه خون به لعل
ز رانش همی ریخت بر خاک خون وزان خون زمین گشت عنابگون
(همان: ۱۲۰ / بیت ۹)

تشبیه خون به عناب
به هر سوی هامون فکندند اسب بکردار رخشنده آذرگشسب
(همان: ۱۲۱ / بیت ۸)

تشبیه سرعت اسب به آتش

که بودش به اورنگ دین، سروری وزو شد عیان مذهب جعفری
(همان: ۱۲ / بیت ۱۰)
بلند اختر آسمان رشاد محیط کرم پادشاه جواد
(همان: ۱۳ / بیت ۵)
که قبرش بود نور قندیل عرش پر جبرئیلش بدرگاه فرش
(همان: ۱۳ / بیت ۷)

تشبیه پر جبرئیل به فرش و قبر به نور قندیل عرش

که بگشایم از طایر وهم بال به جولان درآرم سمند خیال
(همان: ۲۴ / بیت ۶)
کنون در ز گنج سخن باز کن ز مسعودنامه سخن ساز کن
(همان: ۲۴ / بیت ۹)

— استعاره:

همه خیمه بر روی هامون زدند سر نیزه بر چشم گردون زدند
(همان: ۶۴ / بیت ۲)

(استعاره مکنیه)

بیوشیده دودی سیه روی مهر ملخهای سیمین روان بر سپهر
(همان: ۶۴ / بیت ۹)

ملخ‌های سیمین: استعاره از برف

مر آن کوهساران ز پا تا به فرق تو گفتی به کافور گردیده غرق
(همان: ۷۵ / بیت ۱۱)

استعاره از برف

خلیفه که بُد پیشواشان به دین بگفتا به اهریمن سهمگین
(همان: ۸۲ / بیت ۲)

استعاره از جوانمیر

روم با سواران کار آزمون بشویم رخ بختشان را به خون
(همان: ۹۵ / بیت ۵)

رخ بخت: استعاره مکنیه

به نزدیک دهلیز پرده‌سرای فرود آمد از گوهر باد پای
(همان: ۸۰ / بیت ۱)

استعاره از اسب

یکی طوطی سبزپوش حجاز یکی ساعد عشق را شاهباز
(همان: ۱۲ / بیت ۵)

استعاره از نوه‌های حضرت رسول (ع)

به گاهی که از برف روی جهان
به سیماب گون پرده بودی نهان
(همان: ۶۳ / بیت ۹)

روی جهان: استعاره مکنیه

طلوع حماسی خورشید و صنعت تشخیص در صفت انسانی دادن به خورشید:
برفتند آنان و روز دگر
برآمد چو خورشید زرین سپر
(همان: ۶۴ / بیت ۳)

چشم گردون: استعاره مکنیه

همه خیمه بر روی هامون زدند
سر نیزه بر چشم گردون زدند
(همان: ۶۴ / بیت ۲)

مجاز (آذرگشسب: نام آتشکده زرتشتیان مجازاً آتش)

امیر گزین اندر آمد به اسب
چو بر تیغ البرز آذرگشسب
(همان: ۶۴ / بیت ۷)

– کنایه:

پنبه در آتش دود نکردن: کنایه از شدت سرما

ز سرما چنان آتش افسرده بود
که پنبه در آتش نمی‌کرد دود
(همان: ۶۴ / بیت ۱۱)

از پویه لنگ ماندن: کنایه از خستگی و درماندگی

سمند سخن مانده از پویه لنگ
گذرگاه شک است و ره پر ز سنگ
(همان: ۱۲ / بیت ۱)

کنایه از شتاب

سخن‌ها در آن بسته چون زر ناب
کز آن دوستی را بود رنگ و آب
(همان: ۵۴ / بیت ۱)

کنایه از رونق

که بر شاه دانا نباشد نهان
که این کار افسانه شد در جهان
(همان: ۵۴ / بیت ۳)

کار کسی افسانه شدن: کنایه از درس عبرت شدن و پخته شدن، رسوا شدن

به ویژه جوانمیر نیرنگ‌ساز
که پا کرده ز اندازه خود دراز
(همان: ۵۴ / بیت ۷)

پا از اندازه خود دراز کردن: کنایه از گستاخی

در اول جوانمیر را توش ده
مر آن گرگ را خواب خرگوش ده
(همان: ۵۹ / بیت ۵)

خواب خرگوش کنایه از خواب سبک

و یا چون به نیرو نه ای مردشان
عنان باز پیچی زناوردشان
(همان: ۶۰ / بیت ۱۲)

عنان باز پیچیدن کنایه از منصرف شدن از جنگ

کنز ایشان بر آرم به سختی دمار / کنم جسمشان روزی مور و مار
(همان: ۶۱ / بیت ۲)

دمار از کسی در آوردن: کنایه از شکست دادن، نابود کردن / جسم کسی را روزی مار و مور کردن:
کنایه از کشتن و به مرگ واصل کردن

به زودی بدین کار همت گمار / برآور از این دیوساران دمار
(همان: ۳۰ / بیت ۱۲)

دمار از دیگری در آوردن: کنایه از نابود کردن

چو چشمش به روی سپهد فتاد / به پوزش بر او زمین بوسه داد
(همان: ۹۰ / بیت ۴)

زمین بوسه داد: کنایه از ادای احترام، رسمی بوده در گذشته برای ادای احترام به بزرگان چون پادشاهان
ایران

سپهدار لشکرگه رومیان / به خدمت شتابد کمر بر میان
(همان: ۱۰۸ / بیت ۵)

کمر بر میان: کنایه از آمادگی

چو شیران جنگی به لشکر زدند / سر رأیت کین به اختر زدند
(همان: ۱۱۶ / بیت ۶)

کنایه از: به اوج رساندن

درخشنده خورشید ز انبوه گرد / بیندود رخساره با لاجورد
(همان: ۱۱۷ / بیت ۳)

کنایه از سیاه شدن روی خورشید و تیرگی هوا

شد آن در از آن توپ چون توتیا / زهی صفشکن میر رزم‌آما
(همان: ۱۲۲ / بیت ۸)

توتیا شدن: کنایه از خورد شدن

چو از هیچ سو روی رفتن نداشت / سوی مرز ایران علم برافراشت
(همان: ۳۳ / بیت ۸)

علم برافراشتن: کنایه از پیروزمندانه به سوی دشمن رفتن، راهی شدن

چهل سال تخم بدی کاشتی / به گردون سر از کبر افراستی
(همان: ۳۸ / بیت ۷)

تخمم بدی کاشتی کنایه از: گسترش کینه

بنبدیم فرمانبری را میان / نیاید به مال کس از ما زیان
(همان: ۴۳ / بیت ۵)

میان فرمانبری بستن: کنایه از آمادگی فرمانبرداری و اجرای امر کسی شدن

بداختر چو از شاه دستور یافت
دو اسبه سوی قرمسیں برشتافت
(همان: ۴۵ / بیت ۱۱)

برخی از آرایه‌ها و صناعات ادبی:
- آرایه‌های لفظی: به آن دسته از آرایه‌های ادبی که از تناسب‌های آوایی و لفظی میان واژه‌ها پدید می‌آید می‌گویند:
جناس / جناس ناقص اختلافی:

کنون می‌باید چمیم و چریم
سپاس ملک را به جای آوریم
(همان: ۱۵ / بیت ۱۱)

جناقص ناقص افزایش در حرف وسط:
زند کوس چون گاه بانگ خروس
تو گوئی زند شاه کوس کوس
(همان: ۱۷ / بیت ۵)

برخی آرایه‌های معنوی بر پایه تناسب‌های معنایی واژه‌ها:

مراعات‌النظیر: زین، ران، رکاب
بدیدی به زینش گر افراسیاب
زدی بوسه او را به ران و رکاب
(همان: ۱۷ / بیت ۱۱)

ایهام تبادر

آرایه ایهام تبادر: (تعریف آرایه ایهام تبادر) چرا که نام دو پادشاه غزل‌نویان را به ذهن تبادر می‌کند. مانند بیت زیر:
چو آغازش؛ انجام، محمود باد
رخش تازه از شاه مسعود باد
(همان: ۱۶ / بیت ۷)

- تضاد:

بدادش چو یک لخت بیم و امید
بفرمود تا رخت بیرون کشید
(همان: ۴۵ / بیت ۱۰)

به قصر اندر آمد سری پر غرور
به فرمان او گشته نزدیک و دور
(همان: ۴۸ / بیت ۶)

بدو داد تابش به خورشید و ماه
و زو گشت پیدا سپید و سیاه
(همان: ۱۰ / بیت ۲)

- تلمیح:

تلمیح به داستانها و شخصیت‌های شاهنامه‌ای از دیگر ویژگی‌های بارز الهامی در منظومه فتحنامه است:

داستان رستم و سهراب
که کرده است با دوده خویش جنگ
که ماند از این کار بر دوده ننگ
(همان: ۹۵ / بیت ۱۰)

در داستان گرد آفرید:

تن خسته و بسته بر دژ کشید ...	... نیامد ز کار تو بر دوده ننگ
نه لهراسب شاه و نه گشتاسب شاه	بدندی چنو زیور تاج و گاه
به مردی چو روئین‌تن و بهمن است	(همان: ۱۷ / بیت ۸)
تهمتن نبرد است و دستان شکوه	تن ادبار جادو و اهریمن است
بدیدی به زینش گر افراسیاب	(همان: ۱۷ / بیت ۹)
تلمیح به داستان هاروت و ماروت	سکندر سپاه است و دارا گروه
دو چشم‌ت دو هاروت افسونگرند	(همان: ۱۷ / بیت ۱۰)
	زدی بوسه او را به ران و رکاب
	(همان: ۱۷ / بیت ۱۱)
	که صد قلب از یک نگه بشگرند
	(همان: ۲۴ / بیت ۱)

- اغراق:

در برتری دادن ممدوح خویش، جبرئیل را نوآموز مکتب او و دم روحبخش او را مسیح‌آفرین می‌داند.

نهم آسمان کمترین پایه‌اش	جهان بال بگشوده در سایه‌اش
ز آسیب بوران و آشوب باد	(همان: ۱۵ / بیت ۶)
علم‌ها به گردون برافراشتند	نکردی پدر از پسر هیچ یاد
	(همان: ۷۷ / بیت ۱)
	سر نیزه از ابر بگذاشتند
	(همان: ۱۳۸ / بیت ۷)

- غلو:

اگر شمع جانسوز حیدر نبود	نشانی ز دین پیمبر نبود
به جایی که یزدان بدان سود دست	علی سود پای و بتان را شکست
چو از سایه‌اش خواستم برد نام	(همان: ۱۰ / بیت ۹ و ۱۰)
	خرد گفت: زو آفتابش بنام
	(همان: ۱۱ / بیت ۷)

تضمین از شاهنامه:

ورا در جهان هوش بر دست کیست	کزان درد ما را بیاید گریست
	(فردوسی، ۱۳۷۳: رستم و اسفندیار، ص ۴۴)

چو گوید و تدبیر این کار چیست
کزین کار بر ما باید گریست
(الهامی، ۱۳۹۳، ص ۹۶ / بیت ۱)

تضمین از شعر سعدی

ز رحمت مراین بیتم آمد به یاد
که رحمت بر آن گوهر پاک باد
(همان: ۱۳۳ / بیت ۸)

از نظر فکری:

از نظری فکری سایه پررنگ منظومه را تفکرات مذهبی و اعتقادات دینی تشکیل میدهد. این منظومه که ساختاری حماسی دارد و بازگو کننده وقایع محلی ایران در یک محدوده جغرافیایی است، این منظومه از جنبه فکری از آن دسته از متون ادبی دوره قاجار است که با منعکس نمودن بخشهایی از وقایع روز غرب ایران در قالب سبک بازگشت و با تأسی به شاهنامه فردوسی توانسته به عنوان نمونه آثار حماسه مصنوع در سبک بازگشت برای خود جایگاهی باز کند. اما جنگ‌های داخلی که منجر به کشته شدن هم‌وطنان به دست یکدیگر میشود، در هیچ دوره‌ای از تاریخ امر پسندیده‌ای نیست که متأسفانه در این منظومه محور اصلی داستان گرد کشتن افراد یک ایل از ایلات ایران است به هر نوع دلیلی که منطقی یا غیرمنطقی بوده باشد، شاید بتوان گفت آیندگان ما قضاوت عادلانه‌تری بر این رویداد خواهند کرد.

نتیجه‌گیری:

تصحیح و احیای نسخه خطی و دستنویس منظومه فتحنامه اثر الهامی از جنبه تاریخی - از نمونه‌های سبک دوره بازگشت ادبی - ضمن بیان یک جریان تاریخی و وقایع‌نگاری روزانه شرح سرکوبی ایل هموند(احمدوند چلبی) توسط نیروی لشکر حسام‌الملک از کارگزاران ناصرالدین شاه، آن را باید تقلید کامل و تمام‌عیاری از سبک شاهنامه فردوسی و به تبع آن سبک خراسانی دانست با این تفاوت که در ابتدای شاهنامه بعد از تحمیدیه و ستایش خرد و نعت حضرت رسول، تنها ستایش خلفای راشدین دیده میشود در حالیکه در این منظومه اول و آخر منظومه به منقبت اهل بیت اختصاص دارد.

چیزی که جنبه فکری منظومه را زیر سؤال برده و از ارزش آن میکاهد، جنگ‌های داخلی و کشتن ایرانی به دست ایرانی و نیز کشتن زن و بچه بیپناه و بی‌سلاح ایل است که خود امری غیر انسانی و خوشونتبار است. تلمیح به شخصیتها و داستانهای شاهنامه از بازترین شاخصه‌های سبک بازگشت ادبی در منظومه الهامی است. تأثیر تکنولوژی و پیشرفتهای روز در زمینه اصطلاحات جنگی، تلگراف و... از مشخصات سبک فکری الهامی و دیگر شاعران عهد قاجار است. از جنبه زبانی جدا از نکات دستوری به پیروی از سبک شاهنامه مانند دو حرف اضافه برای یک متمم، مطابقت موصوف و صفت در جمع و کاربرد حروف اضافه و ربط کهن و مهجور مانند ایدون، ایدر، اندر، کجا (که) و ... که از شاخصه‌های زبانی الهامی در منظومه فتحنامه است؛ بسامد بالای واژه‌های منفی مانند قتل، غارت، کشت و کشتار، جنگ، محاصره، بریدن سر، میدان نبرد و ... است. محسوب می‌شود. آرایه‌ها و فنون ادبی در منظومه مورد بحث در حد تعادل است و به نسبت هیچ جایی را نمی‌توان یافت که غیر قابل فهم و مغلق و دارای تعقید باشد. زبان الهامی در شعر بسیار ساده، روان و در عین حال دارای تشبیهات، استعاره‌ها و و نکته‌پردازیهایی شاعرانه است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد استخراج شده است. خانم پاکزاد راهنمایی این پایان‌نامه را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای احمد قادری بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای شهباز محسنی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان برخود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد و مدیر مسئول مجله بهار ادب که در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES:

- Arinpour, Yahya. (1995). From Nima to Our Time. Tehran: Zavar Publications.
- Afshar, Iraj & Mohammad Taqi Daneshpajouh et al. (1992). Catalog of Manuscripts in the National Malek Library (Volume 3 of Persian Books). Tehran: Astan Quds Razavi Publications. pp. 2-15.
- Al-Hami Kermanshahi, Ahmad. (2015). Shahnameh (Chaharkhiyaban Bagh-e Ferdows). Edited by Ali Ensani. Tehran: Islamic Propagation Organization. pp. 14.
- Al-Hami, Ahmad. (2005). Fathnameh-ye Hassam al-Mulk, Including the Poem of Mohariyat-e Javanmir and Malek Niyaz Khan. Tehran: Saham Publications. pp. 112-130.
- Binesh, Taghi. (2007). "The Method of Editing Persian Texts." In Collection of Editing Method Articles, edited by Mohammad Nazari. Tehran: Central Library and Documentation Center, University of Tehran. pp. 114.
- Jahanbakhsh, Juya. (2005). Guidelines for Editing Texts. Tehran: Miras-e Maktoob Publications. pp. 29-33.
- Khosravi, Mohammad Baqer. (1925). Divan-e Khosravi. Introduction by Rashid Yasami. Tehran: Broukhim Printing House. pp. 1.
- Sajjadi, Alaa al-Din. (2012). Religious Poetry in Kurdish. Tehran: Maaref Publications. pp. 548-549.
- Shakeri, Baqer. (1958). Brief Memoirs of Kermanshah Poets. Kermanshah: Saadat Printing. pp. 12.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (2003). Persian Literature from Jami's Era to Our Time. Translated by Hojjatollah Asil. Tehran: Ney Publications. Vol. 2, pp. 60.
- Shamisa, Sirus. (1995). Stylistics of Prose. Tehran: Mitra Publications. pp. 305.

Attar Neishabouri, Farid al-Din. (2005). *Mantiq al-Tayr*. Edited with introduction and commentary by Dr. Mohammad Reza Shafiei Kadkani. Tehran: Sokhan Publications. Vol. 2, pp. 222.

Catalog of Manuscripts in the Central Library and Documentation Center of Tehran University. Vol. 17, pp. 35.

Catalog of Manuscripts in the National Malek Library. Vol. 2, pp. 47.

Lahouti, Abolqasem. (1979). *Divan-e Lahouti*. Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Amir Kabir Publications. pp. 2-9.

Yousefi, Farshid. (1998). *The Garden of Thousand Flowers*. Tehran: Farhangnameh-ye Asfar Publications. pp. 559.

Articles:

Zarrinkoub, Abdolhossein. (1953). "Scientific Method in Literary Text Criticism and Editing." *Yaghma Journal*. Year 10, No. 7, pp. 310-314.

Mohammadi Afshar, Houshang; Jahadi Hosseini, Seyed Amir; Yaqubi Chetrudi, Mohammad Reza. (2018). "Reflection of National Epic in Shahnameh-ye Al-Hami Kermanshahi." *Iranian Studies Journal*. No. 1, pp. 231-252.

فهرست منابع فارسی

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۴). از نیما تا روزگار ما. ج ۳. تهران: زوار، ص ۱۷۲-۱۳.
- افشار، ایرج و محمدتقی دانش‌پژوه و دیگران. (۱۳۷۱). فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. جلد سوم کتابهای فارسی. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، صص ۱۵-۲.
- الهامی کرمانشاهی، احمد. (۱۳۹۴). شاهنامه (چهارخیابان باغ فردوس). به کوشش علی انسانی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، صص ۴-۱.
- الهامی، احمد. (۱۳۸۴). فتحنامه حسام‌الملک. به انضمام منظومه محاربات جوانمیر و ملک نیازخان (کردی - فارسی). تهران: سپا، صص ۱۳۰-۱۱۲.
- بینش، تقی. (۱۳۸۶). مقاله روش تصحیح متون فارسی، مجموعه مقالات روش تصحیح، به کوشش محمد نظری. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ص ۱۱۴.
- جهانبخش، جویا. (۱۳۸۴). راهنمای تصحیح متون. مؤسسه نشر میراث مکتوب، صص ۳۳-۲۹.
- خسروی، محمدباقر. (۱۳۰۴). دیوان خسروی. مقدمه رشید یاسمی. چاپخانه بروخیم، ص ۱.
- سجادی، علاءالدین. ۱۳۶۱. مئژوی نه‌ده‌بی کوردی. تهران: نشر معارف، صص ۵۴۹-۵۴۸.
- شاکری، باقر. (۱۳۳۷). تذکره مختصر شعرای کرمانشاه. کرمانشاه: چاپ سعادت، ص ۱۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۲). ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما. ترجمه حجت‌الله اصیل. ج ۲. تهران: نی، ص ۶۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). سبک‌شناسی نشر. تهران: میترا، ص ۳۰۵.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۴). منطق‌الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیع کدکنی. ج ۲. تهران: سخن، ص ۲۲۲.
- فرهنگ شاعران زبان فارسی. ج ۱، ص ۵۸.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی. ج ۲۳، ص ۱۰۴.
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ج ۸، صص ۴۶۱ و ۲۳۰.
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ج ۱۷، ص ۳۴۵.
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک. ج ۲، ص ۴۷.
لاهوتی، ابوالقاسم. (۱۳۵۸). دیوان لاهوتی. به کوشش احمد بشیری. تهران: امیرکبیر، ص ۹-۶.
یوسفی، فرشید. (۱۳۶۷). باغ هزار گل. تهران: فرهنگنامه‌ اسفار، صص ۵۵۴-۵۵۹.
مقاله:

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۳۶). روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی. یغما. سال دهم. شماره ۷، صص ۳۱۴-۳۱۰.
محمدی‌افشار، هوشنگ؛ جهادی‌حسینی، سیدامیر؛ یعقوبی‌چترودی، محمدرضا. (۱۳۹۷). بازتاب حماسه ملی در شاهدنامه الهامی کرمانشاهی. مطالعات ایرانی. شماره ۱، صفحات ۲۳۱-۲۵۶.

معرفی نویسندگان

احمد قادری: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: gaderiahmad4@gmail.com)
(ORCID: 0009-0003-6528-7364)
مه‌ری پاکزاد: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: pakzad@iau-mahabad.ac.ir : نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0001-8156-4454)
شهباز محسنی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
(Email: shahbazmohseni@iau_mahbad.ac.ir)
(ORCID: 0000-6083-1835-0003)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ahmad Ghaderi: PhD student in Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.
(Email: gaderiahmad4@gmail.com)
(ORCID: 0009-0003-6528-7364)
Mehri Pakzad: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.
(Email: pakzad@iau-mahabad.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-8156-4454)
Shahbaz Mohseni: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.
(Email: shahbazmohseni@iau_mahbad.ac.ir)
(ORCID: 0000-6083-1835-0003)